

تنها کلمات باقی می ماند

مهدی جامی

اکرم ابویی در تازه ترین مجموعه از کارهای طراحی خود ترکیب معناداری از انسان و کلمات را انتخاب کرده است. طرحهایی ساده در پیچیده با کلمات اعلامیه حقوق بشر.

کتاب طرحهای او اصلاً همین نام را دارد: حقوق بشر. همراه با طرحهای او ما بندهایی از اعلامیه را به زبانهای مختلف می خوانیم گاه فارسی گاه آلمانی یا انگلیسی.

شیوه ترکیب کلمات با طرحها می تواند تعابیر گوناگونی را تداعی کند. کلماتی که گاه مثل شلاق روی سر و سینه طرح نقش شده است و گاه به طرح حاشیه زده یا آن را قاب گرفته است. گاه نیز کلمات تمام طرح را پر کرده است طرحی که خود به دو خط نقش پرداز خلاصه شده است. در همین حد که ببینیم این انسانی است که خم می شود یا آن زنی است که با چشمانی پرسان به گوشه ای کز کرده است.

زنها در کار اکرم ابویی شاخص اند. از پس طرحهای او و به هدایت نقش های تجریدی و بی نهایت ساده شده او می توان صورت و تن زنان را دید که عشق می ورزند یا عریانند- از شرم یا از اتهامی. و گاه نیز زنی را می بینیم که می توانیم از پس چهره مغموم اش سرنوشت یک روسپی را بخوانیم. مردها هم هستند. گاه سازی در دست دارند. گاه نیمرخ شان تو را به یاد نویسنده ای می اندازد از آنها که رفته اند یا کشته شده اند یا دق کرده اند.

طرحهای او آدمهایی از زنان و مردان را نشان می دهد که برای فکرشان یا برای عشق شان یا برای زندگی دلخواهشان در تنگنایند. آنها مثل مرغان قفس می مانند. هیچ کدامشان نمی خندند. همه انگار کسی یا چیزی را از دست داده اند. یا گنگ و مات به جایی خیره شده اند. روزنه ای در سلول یا نقطه نامعلومی در آینده. آنها بیشتر تک و تنها هستند و تنها بعضی وقتها جفت ترسیم شده اند.

اکرم ابویی دو سه عکس هم در میان کارهایش آورده است که با روش کولاژ و یا به شیوه عکس-نقاشی کار کرده است. این به نحوی یادگار دوره قبلی کار اوست که می توان آن را «دوره روزنامه» خواند.

در کارهای مجموعه پیشین او چهره هنرمندان بنام ایران شاخص بود که با قطعات روزنامه آمیخته شده بود یا اصلاً روی روزنامه کار شده بود. تأکید دیروز او بر روزنامه به عنوان المان آزادی بیان در مجموعه اخیرش به قانون جهانی آزادی بیان و انتخاب رسیده که همان اعلامیه حقوق بشر است. به تناسب بزرگتر شدن حیطه فراگیری، چهره ها هم از شاخص بودن و تطبیق بر این و آن شدن خارج شده است تا بدون اینکه اشاره به کس خاصی باشد همه کس را در بر بگیرد.

او در تجرید خطوط کار خود تا آنجا پیش رفته است که انگار آدمی چیزی نیست جز کلمات. خطوط گم می شود تا کلمه خود را بهتر نشان دهد. کلماتی که حق آدمیزاد را تضمین می کنند. انگار بشر چیزی جز خواهش این حق نیست. حقی که با کلمات بیان می شود. همقدم با این بیان است که طرحهای پیشین او که درآمیخته ای از انسان و کلمه بود، ساده و ساده تر شده اند تا تنها کلمات باقی بمانند. انسان کلمه است.

بی بی سی